

بررسی تاثیر جریان آزاد اطلاعات بر حاکمیت دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل

مسعود مظاهری^۱، سهراب صلاحی^۲، مریم مرادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی تاثیر جریان آزاد اطلاعات بر حاکمیت دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل می‌پردازد. در این فرایند شاهد بکارگیری ابزارهای نوین رسانه‌ای و ایجاد جنگ نرم توسط برخی از کشورهای قدرتمند علیه حاکمیت دولت‌های دیگر می‌باشیم. سؤال پژوهش حاضر این است که کشورهای دارای توان رسانه‌ای در بستر جریان آزاد اطلاعات چگونه علیه حاکمیت دولت‌ها اقدام می‌نمایند؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح است که به دلیل خلاءهای موجود در حقوق بین‌الملل و البته نبود کنترل و نظارت درست و عدم وجود ضمانت اجرای کافی، برخی کشورها به خود اجازه می‌دهند به بهانه‌ی آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن، بدون اجازه‌ی قبلی و کسب رضایت هرگونه اخبار، اطلاعات و یا آموزش را به کشورهای دیگر منتقل و به مردم آن کشور القاء نمایند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که انتقال این قبیل اطلاعات با تأثیر بر افکار و آرمان‌های یک ملت و بدون در نظر گرفتن بافت‌های فرهنگی، عقیدتی و دینی آن جامعه موجب تهدید علیه امنیت و حاکمیت ملی آن کشور می‌گردد. شایان ذکر است مرزهای فرهنگی، عقیدتی و اخلاقی یک کشور به اندازه‌ی مرزهای جغرافیایی آن‌ها دارای احترام می‌باشد و کسب رضایت کشورها برای ورود به مرزهای غیرجغرافیایی آن‌ها نیز امری بی‌بدیل است. در نتیجه انتقال اطلاعات به داخل یک کشور بدون اخذ اجازه و رضایت آن کشور وصف نقض حاکمیت و تمامیت ارضی را پیدا می‌کند. این مطالعه توصیفی-تحلیلی و به روش "کتابخانه‌ای" و "اسنادی" صورت پذیرفته است.

واژگان اصلی: قدرت نرم، جنگ نرم، آزادی اطلاعات، رسانه، حاکمیت دولت‌ها.

۱. دانشجوی دکترا، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) salahi.sohrab@gmail.com
۳. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

مقدمه

همواره از یک سو بشر برای بدست آوردن آزادی می‌کوشد تا قوانین بین‌المللی را در این مسیر شکل دهد و از سوی دیگر کشورها برای حفظ حریم جغرافیایی و امنیت و حاکمیت ملی خود از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. به نحوی که در دهه‌های اخیر شاهد وضع محدودیت‌های گوناگونی در مسیر پر پیچ و خم آزادی اطلاعات و حقوق مرتبط با آن بوده‌ایم. در مقابل نیز برخی کشورهای طالب قدرت در جهان برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود از روش‌ها و امکانات گوناگونی از جمله آزادی اطلاعات استفاده نموده‌اند و در بستر آن سعی در تحقق خواسته‌های خود می‌نمایند به همین دلیل در عصر حاضر که بکارگیری سخت افزارهای جنگی توسط کشورها برای برتری جستن نسبت به یکدیگر به دلیل عواقب انسانی و اقتصادی آن دارای توجیه کافی نمی‌باشد، یافتن راهکارهای جایگزین در دستور کار آن کشورها قرار گرفته است. در این رابطه تکنولوژی انتقال اطلاعات نقش موثری ایفا می‌نمایند. این تکنولوژی می‌تواند شامل رسانه‌هایی باشد که از طریق آن‌ها امکان کسب اطلاعات و یا انتشار اطلاعات فراهم می‌گردد که در چنین شرایطی رسیدن به اهداف و مقاصد کشورهای قدرتمند تابع اقدامات نرم و به دور از قدرت نظامی و خشونت‌های مرتبط با آن است. همانگونه که اشاره شد بهترین بستر که در قالب آن می‌توان اقدامات نرم یا به اصطلاح جنگ نرم راه انداخت، رسانه‌ی جمعی می‌باشند. به این نحو که از طریق آن‌ها می‌توان بر عقاید، افکار، اهداف و آرمان‌های یک جامعه و ملت تأثیر گذاشت و یا آن را هدایت نمود. با این توضیح نباید فراموش نمود که قطعاً در جریان اقداماتی از این دست، امنیت و حاکمیت ملی کشورها نیز به مخاطره خواهد افتاد بنابراین کشورهای مورد هدف جنگ نرم لاجرم با اتخاذ تدابیر متقابل و یا محدود کننده، به مبارزه و مقابله با آن خواهند پرداخت. اهمیت پژوهش حاضر در آن است که التفات درست به مسئله‌ی آزادی اطلاعات و حاکمیت کشورها به عنوان اصول پذیرفته شده در عرصه‌ی حقوق و روابط بین‌الملل می‌تواند حدود و چگونگی بکارگیری ابزارهای نوین انتقال اطلاعات را مشخص نماید و چه بسا باعث وضع قوانین و مقررات جامع‌تری برای بکارگیری این ابزارها شود تا فرصت اقدامات براندازانه و جنگ نرم در بستر آزادی اطلاعات را از کشورهای طالب قدرت و برتری بگیرد. لذا با شناخت دقیق‌تری از جنگ نرم و ابزارهایی که در این جنگ بکارگرفته می‌شوند می‌توان آثار مخرب آن بر امنیت و حاکمیت ملی را نمایان نمود و برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از تهاجم علیه عقاید، افکار و آرمان‌های یک ملت، در قالب حق مسلم بشری و البته احترام به اصل حاکمیت دولت‌ها راهکار مناسب اتخاذ نمود.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش:

با بررسی پژوهش‌های انجام شده مشخص گردید تاکنون در خصوص موضوع مقاله‌ی حاضر، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است اما پژوهش‌هایی که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند به موضوع تحقیق نزدیک می‌باشند.

ناظمی اردکانی مهدی (۱۳۹۵) در پژوهش خود تحت عنوان "انقلاب اطلاعات و تأثیر آن بر جنگ نرم" به نقش برجسته‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات در سازماندهی نظامی در هزاده‌ی سوم پرداخته است. یکی از سوالاتی که در این پژوهش مطرح شده است چگونگی استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی در جنگ نرم می‌باشد و این فرض مطرح شده است که این فناوری‌های نوین به شکل‌گیری جنگ‌های نوین در فضای جنگ نرم همچون جنگ سایبری و یا جنگ الکترونیک انجامیده‌اند.

سلطانی فر محمد و عزت زاده مستور (۱۳۹۴) در پژوهش خود تحت عنوان "آینده‌ی جنگ نرم در جوامع اطلاعاتی" به بیان ظهور انقلاب اطلاعاتی در بستر جوامع کهنه و ایجاد تحولات ساختاری و شیوه‌های جدید توسعه پرداخته است. همچنین نقش عملیات روانی در منازعات جهانی و انتقال قدرت به بازیگران عرصه‌ی بین‌الملل را حیاتی قلمداد نموده است. در این پژوهش نویسندگان به بررسی جنبه‌های فن‌شناختی جنگ نرم و شیوه‌ها و تکنیک‌های آن پرداخته است.

حسینی سید حسین و علوی وفا حمید (۱۳۹۱) در پژوهش خود تحت عنوان "سلطه‌ی رسانه‌ای و جنگ نرم" به بیان اهمیت و تأثیرگذاری رسانه و توجه قدرت‌ها به آن پرداخته‌اند و آن را ابزاری سیاسی و امنیتی بیان نموده‌اند. در همین راستا سؤال اصلی پژوهش مبنی بر تأثیر سلطه‌ی رسانه‌ای در جنگ نرم بر امنیت ملی کشورهای هدف است که در پاسخ این فرضیه مطرح شده که این سلطه امنیت ملی و فرهنگ کشورها را پس از استحاله با تهدید جدی مواجه می‌کند. که با این روش ابرقدرت‌ها در چند کشور تجربه نموده و موفق به سرنگونی آن شده‌اند.

حیبی محمد حسین و صبوری محمد حسین (۱۳۹۱) در پژوهش خود تحت عنوان "جنگ نرم و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران" به مسئله‌ی امنیت فرهنگی به عنوان یک مؤلفه که امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد دشمنان از شیوه‌های جنگ روانی، جنگ رایانه‌ای و اینترنتی و بکارگیری رسانه‌هایی مانند تلویزیون و رادیو در صدد جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران هستند.

فتاحی اردکانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان "تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم و هوشمند)" به بررسی و تحلیل مفهوم قدرت از سه منظر قدرت سخت، قدرت نرم و قدرت هوشمند و منابع متشکله‌ی آنها پرداخته‌اند. به نحوی که فرایند قدرت را از سخت با منابعی مانند قدرت، تهدید و ابزارها نظامی و سپس بکارگیری ابزارهای نرم مانند ارزش‌های سیاسی و فرهنگی و در نهایت قدرت هوشمند و بکارگیری راهبردهای بهینه و مدیریت مدبرانه تبیین نموده‌اند.

۲. مفاهیم کلی:

۲-۱. تبیین مفهوم قدرت و انواع آن

قدرت در لغت به معنای توانایی و مترادف با کلماتی همچون استطاعت می‌باشد که در واقع دربرگیرنده‌ی توانایی فرد یا گروه برای تأثیرگذاری یا کنترل بر افراد یا گروه‌های دیگر است و می‌تواند در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی و... جلوه نماید. بر همین اساس است که از دیدگاه برخی اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه، قدرت یک مفهوم سیال و متغیر تلقی می‌گردد که شامل تقسیمات گوناگون است. در یک نگاه کلی به تعاریف موجود پیرامون قدرت، می‌توان تغییر پارادایم قدرت از جنبه‌ی سخت افزاری به جنبه‌ی نرم افزاری را مشاهده نمود (مهدوی و نادری بابا اناری، ۱۳۹۰: ۱۴۰). برای آشنایی بیشتر با این دسته بندی‌ها به تقسیم بندی که «جوزف نای»^۱، یکی از نظریه پردازان مطرح دکترین قدرت نرم ارائه نموده است خواهیم پرداخت. در نظر وی قدرت بر دو نوع قدرت سخت^۲ و قدرت نرم^۳ تقسیم می‌شود (نای، ۱۳۹۲: ۴۹). حال باید ببینیم که این دو نوع قدرت چه تعریف و چه اجزاء و ابزاری دارند و نیز هر یک از آنها بر کدام یک از حوزه‌های قدرت معطوف هستند:

۱ - قدرت سخت: قدرت سخت مفهومی نام آشنا در علم روابط بین الملل و نظریه پردازان واقع‌نگر در این حوزه است. در تعاریفی که از سوی اندیشمندان این حوزه ارائه شده است از قدرت سخت به معنای دستیابی به ظرفیت‌ها و منابعی که می‌توان توسط آنها در نتیجه یا برون داد یک فرایند

¹ Joseph Nye

² Hard power

³ Soft power

نفوذ نمود، یاد شده است. بر این مبنی می‌توان قدرت سخت را در زمره‌ی قدرت‌های غیر فرهنگی قلمداد نمود به این نحو که آن دسته از منابع قدرت که در برگیرنده‌ی اصول و هویت فرهنگی جوامع نیستند به عنوان قدرت سخت انگاشته می‌شوند (شهرام نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۴). از منظری دیگر همان طور که از عنوان قدرت سخت می‌توان دریافت، این قدرت ناظر بر قدرت و توان نظامی است. بنابراین موضوعی به نام «خشونت» عنصر اساسی آن می‌باشد و از طریق آن شخص یا کشور خاصی را مجبور به انجام دادن کاری می‌کنند. بنابراین قدرت سخت، قهری و همراه با اجبار می‌باشد. در برخی موارد این نوع قدرت زمانی استفاده می‌شود که کشوری بخواهد کشور و سرزمینی دیگر را به تصرف خود در آورد و یا حداقل بخواهد مقدمات آن را فراهم نماید. از مهمترین ویژگی‌های قدرت سخت مشخص و معلوم بودن منابع آن از جمله افزایش توان تسلیحاتی و گسترش سخت-افزارهای نظامی، تصویب بودجه‌های هنگفت برای ارتقاء سامانه‌های جنگی، افزایش نیروهای نظامی، افزایش و گسترش تحرکات برون مرزی و بسیاری موارد دیگر است (اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۷). البته نباید فراموش نمود که در عرصه‌ی بکارگیری قدرت سخت، لوازم و ابزارهای گوناگونی که برخی از آن‌ها تجهیزات لجستیکی، سلاح‌ها و جنگ افزارها هستند نقش ایفا می‌نمایند و در مواردی هم قدرت‌های دیگر مانند جنگ نرم به یاری قدرت سخت می‌آید و در نتیجه مرز این قدرت‌ها با یکدیگر اختلاط یابد.

۲- قدرت نرم: این گونه از قدرت در اصطلاح به معنای توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران از طریق اقناع و جذب دیگران به گونه‌ای آشکار اما نامحسوس است که برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع بکار گرفته می‌شود و با بکارگیری ابزارها و شیوه‌های غیر مستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر خواهد گذاشت (شهرام نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۲). در این نوع قدرت، به جای تصرف و تسلط سرزمین‌ها و یا دولت‌ها، تصرف ذهن‌ها و قلب‌ها مد نظر قرار می‌گیرد و از این طریق، یعنی با تسلط بر ذهن و قلب افراد یک جامعه می‌توان آنان را به اقناع رساند. لذا سیاست خارجی یک کشور در صورتی که بتواند بخش ارزش‌های مطلوب را با بهره‌گیری از عنصر فرهنگ، ترویج نماید در واقع اعمال قدرت نرم در سطح بین‌الملل نموده است (ابراهیمی، ۱۴۰۰: ۱۵) و به سادگی روشن است که ابزارهای رسیدن به چنین هدفی در اولویت اول، رسانه‌های اطلاعاتی و فرهنگی در بستر جریان آزاد اطلاعات می‌باشند.

۲-۲. مفهوم حاکمیت

مفهوم حاکمیت عبارت است از اعتبار، اقتدار و مؤثر بودن حکومت در تضمین استقلال و اقتدار دولت ریشه‌ی مفهوم حاکمیت به سالها قبل از تاریخ ۱۶۴۸ بر می‌گردد، اما اگر حاکمیت را مفهومی بدانیم که دارای روند شکل‌گیری و تکامل بوده است، حداقل باید پذیرفت، در این سال به طور تلویحی ظهور نموده است (Gordon & Others:2008:29). ریشه‌ی حاکمیت در تاریخ جدید به تشکیل واحدهای دولت - ملت پس از صلح وستفالی ۱۶۴۸ بر می‌گردد که وجود حاکمیت بر سرزمین و ملت‌ها لازم دانسته می‌شد. از حیث مفهوم، ریشه حاکمیت بر سه بخش است. اول، شان و اقتدار یا همان میزان احترامی که یک نهاد از آن برخوردار است دوم، توان حکومت کردن و سوم، مباشرت یعنی انجام دادن کار به نمایندگی و از طرف دیگران با هدف نفع دیگران. همچنین، حاکمیت موضوع کثیرالوجهی است که برای آن مفاهیم متعددی مثل حاکمیت ملی، حاکمیت سیاسی، حاکمیت حقوقی و غیره بکار گرفته شده است که هر یک از آنها معانی مستقل و متفاوت با دیگری دارد (مستقیمی، ۱۳۸۵). در میان تعاریف متعدد ارائه شده درباره مفهوم حاکمیت، یکی از تعاریف، اشاره دارد که حاکمیت همان اعتبار، اقتدار و مؤثر بودن حکومت، در تضمین استقلال و اقتدار دولت حتی در بررسی مفهوم حاکمیت به مفاهیم دیگری از جمله اقتدار، قدرت و صلاحیت هم برمی‌خوریم که دارای تشابه معنایی هستند اما آنچه که می‌توان به عنوان نقطه اشتراک تعاریف بیان نمود، سلطه و اقتدار دولت است و همین مفهوم حاکمیت است که در روابط بین الملل ایجاد نظم و امنیت می‌کند.

۳. تزامم آزادی اطلاعات با حاکمیت دولت‌ها

۳-۱. آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن

واژه اطلاعات برای نخستین بار در دوره پیش از جنگ جهانی دوم، در جامعه ملل مطرح شده بود. این واژه در فارسی متداول به معنای اخبار، معلومات و دانستنی‌ها است که هر یک دارای مفاهیم و مصادیق متعددی هستند. اما آنچه که مهم هست این است که این مفاهیم به همراه خود محصولی را دارد تحت عنوان حق دسترسی به اطلاعات زمانی که بحث از آزادی اطلاعات می‌شود اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود امکان دسترسی و انتقال آن هست (کدخدایی، حاجی‌ملا، ۱۳۹۳: ۵۳۸). از دو منظر ممکن است آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن محدود شود. یکی از جهت

حمایت از حریم خصوصی و هویت انسانی افراد بشر است و دیگری از جهت حقوق حاکمیت‌ها و احترام به اصول بین‌المللی مرتبط با آن است و هر دوی آنها تخصیص دهنده‌ی آزادی اطلاعات هستند که در نظر است در این مقاله به دومین منظر از موارد یاد شده پرداخته شود. همانطور که اشاره شد برخی موانع امنیتی و تهدید کننده‌ی نظم داخلی و حتی بین‌المللی برای کشورها وجود دارد که موجب گردیده دسترسی به اطلاعات محدود شود و در معارضه‌ی بین اصل آزادی اطلاعات به عنوان یکی از اصول مهم حقوق بشر در یک سو و احترام به حاکمیت دولت‌ها، تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی کشورها به عنوان اصول پذیرفته شده‌ی حقوق بین‌الملل در سویی دیگر، این آزادی اطلاعات می‌باشد که در اولویت دوم قرار می‌گیرد. هرچند که نباید به بهانه‌ی اهمیت اصول مذکور، دسترسی به اطلاعات را منع نمود. در قواعد و مقررات بین‌المللی هم شاهد اهمیت دادن به مقوله‌ی آزادی اطلاعات و ایجاد ضوابط مرتبط با آن از حیث آزادی دسترسی و محدودیت‌های دسترسی هستیم. از جمله نهاد‌های که در عرصه بین‌المللی به آزادی اطلاعات پرداخته است، سازمان ملل متحد می‌باشد که برای اولین بار در سال ۱۹۴۶ میلادی طی قطعنامه شماره ۵۹ برای اولین بار آزادی اطلاعات را به رسمیت شناخت. مجمع عمومی سازمان ملل در این قطعنامه آزادی اطلاعات را به عنوان یک حق بنیادین بشری که سنگ زیربنای همه‌ی آزادی‌ها است قلمداد نموده و سازمان ملل را وقف آن دانسته است. با اینکه در تمامی اسناد بین‌المللی علی‌رغم آزادی اطلاعات به محدودیت‌های آن از جمله محدودیت‌های امنیتی و حاکمیتی نیز پرداخته شده است اما متأسفانه امروزه کشورها در تلاش هستند با استفاده از روش‌های مختلف، اطلاعاتی مورد نظر خورد را وارد جوامع دیگر نموده و بر افکار افراد آن جوامع مسلط گردند.

۲-۳. حاکمیت متأثر از آزادی اطلاعات

حاکمیت عبارت است از قدرت عالی یک دولت در قلمرو خود، اما در چهارچوب قواعد مشخص حقوق بین‌الملل که جنبه الزامی دارند. در بررسی مفهوم حاکمیت به مفاهیمی از جمله اقتدار، قدرت و صلاحیت برمی‌خوریم که دارای تشابه معنایی هستند. حتی این مفاهیم را می‌توان از مؤلفه‌های حاکمیت دانست که با آن همراه و از جهات گوناگون مکمل هستند. از شاخصه‌های مهم یک حکومت مقتدر این است که هرجایی لازم باشد از تمامیت ارضی، استقلال، نظم و امنیت ملی خود در مقابل تهاجمات خارجی و داخلی حفظ و حراست کند. در هر حال آنچه که می‌تواند به عنوان نقطه اشتراک مفاهیم مذکور بیان شود، سلطه و اقتداری است که حکومت دارای آن است و

این جنبه از مفهوم حاکمیت است که در روابط بین‌الملل ایجاد نظم و امنیت می‌کند. به همین دلیل است که حاکمیت یکپارچه و منسجم از مهم‌ترین ویژگی‌هایی یک دولت توانا برای حفظ امنیت و تمامیت ارضی می‌باشد. استقلال و اقتدار نیز از مؤلفه‌های مهم دولت در چنین حاکمیتی است که ارکان لازم برای تنظیم روابط نهادهای درونی و ارتباطات بیرونی را فراهم می‌کند. لذا حاکمیت، اصلی نظم دهنده است که اختیار تنظیم کردن مناسبات را به دست می‌دهد و بنیان نظم روابط بین‌الملل را فراهم می‌آورد (Hudson, 2000: 2-3). بنابراین هر آنچه که حاکمیت را تهدید نماید گویی امنیت ملی را تهدید کرده است. علی‌رغم تمام تأکیدات و توصیه‌هایی که در حوزه‌ی آزادی اطلاعات وجود دارد کشورها و حکومت‌ها همواره در کشاکش این مسئله هستند که تا حد امکان جلوی تأثیرگذاری آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن بر حاکمیت‌شان را کنترل نمایند تأثیرات منفی آن را به حداقل برسانند و تهدیدهای خارجی علیه منافع سیاسی و ملی خود را دفع نموده و امنیت ملی را تأمین نمایند (قاسمی، ۱۳۹۷: ۸). بر همین اساس همانطور که اسناد حقوق بشری مانند ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۲۷ منشور آفریقایی حقوق بشر صراحتاً این محدودیت را بیان داشته‌اند، نه تنها دول جهان بلکه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، حفظ امنیت ملی را از جدی‌ترین محدودیت‌های آزادی اطلاعات قلمداد می‌کنند و اینطور نیست که فقط اعلامیه جهانی حقوق بشر این مسئله را مورد اشاره قرار داده باشد. از آنجایی که یکی از موارد محدود کننده حاکمیت مطلق دولت‌ها حقوق بشر است و همین امر مستمسکی شده است تا برخی کشورهای مدعی حقوق بشر به خود این اجازه را بدهند تا بدون در نظر گرفتن حاکمیت کشورها، هرگونه اطلاعاتی را به داخل مرزهای آن مخابره و منتقل نمایند از نظر نویسنده، تقریباً کشوری وجود ندارد که امنیت خود را برای تحقق حقوق بشر به مخاطره بیندازد و فارغ از درست یا غلط بودن این موضوع، باید پذیرفت که تأمین امنیت از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها محسوب می‌گردد. بنابراین حاکمان و دولت‌مردان از هیچ تلاشی برای حفظ و بقاء کشور خود فروگذار نخواهند بود و یکی از متداول‌ترین این راه‌ها جلوگیری از انتقال اطلاعات و محدود کردن دسترسی به اطلاعات است.

حال اگر حاکمیت دولت‌ها در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی دست‌خوش تعرض قرار گیرد نظم در سطح روابط بین‌الملل و امنیت در سطح داخلی دولت‌ها متحمل بیشترین آسیب خواهد شد. با توجه به اینکه آزادی اطلاعات از جمله تعرضاتی است که ممکن است حاکمیت دولت‌ها را تهدید نماید و

امنیت ملی را به مخاطره بیندازد، این موضوع از دو منظر قابل توجه است. یکی از حیث انتقال اطلاعات علیه حاکمیت به داخل مرزهای کشور مانند زمانی که کشورهای قدرتمند با قصد تحریک جریان‌های اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی بر نظام حاکم اثر می‌گذارند و دیگری از حیث دسترسی به اطلاعات خاصی که می‌تواند با مصلحت نظم و امنیت داخلی در تضاد باشد. مثل نمایش فیلمی که در برهه‌ای از زمان در کشوری به دلیل تعارض با منافع ملی مجوز پخش نمی‌گیرد و بعدها به دلیل عدم مغایرت با منافع ملی، اجازه پخش دریافت می‌کند. در هر صورت دولت‌ها به صورت خودسرانه حق نقض آزادی‌های بشری را خارج از ضوابط قانونی ندارند، بلکه با رعایت سایر شرایط صرفاً امکان محدود ساختن موارد بر شمرده شده در اسناد بین‌المللی مانند نظم و امنیت را خواهند داشت. حتی محدودسازی این نوع حقوق در فضای سایبر نیز به علت تأمین نظم عمومی این فضا صورت می‌گیرد (فرهادی آلاشتی و جوان جعفری بجنوردی، ۱۳۹۶: ۷۶). ابزار مهم و کاربردی که برای انتقال اطلاعات در سراسر جهان بکار می‌رود و کشورها برای صیانت از حاکمیت و امنیت خود در مواقع لزوم تلاش می‌کنند در دسترسی به آنها را محدود کنند، رسانه‌های جمعی هستند.

۴. جنگ نرم و نقش رسانه‌های انتقال اطلاعات علیه حاکمیت

۴-۱. جنگ نرم به مثابه اعمال قدرت نرم

جنگ نرم^۱ برای اولین بار در اواخر سال ۱۹۸۰ به وسیله کمیته‌ای تحت عنوان خطر جاری^۲ که در جریان جنگ سرد ۱۹۷۰ با همکاری اساتید برجسته علوم سیاسی و مدیران سابقه دار سازمان سیا و پنتاگون تأسیس شده بود، در کشور آمریکا طراحی گردید. این نوع جنگ زمانی به نحو درست محقق می‌گردد که اجتماع مورد هدف آن اساساً احساس و ادراک تهدید نداشته باشند، بلکه آن را مطلوب خود و تسلیم شدن در برابر آن را اولویت خود بدانند. این اولویت سازی می‌تواند به عمد یا ترغیب با آموزش و پرورش و یا با فرهنگ سازی انجام شود. اینگونه تهدید نرم با تغییر اعتقادات افراد و ملت‌ها، اساسی‌ترین کارکردها را در حکومت، اقتصاد و سیاست کشورها ایفا می‌کند (حسینی و دیگران، ۱۳۹۳، ۵۷). به عبارتی در جنگ نرم به طور برنامه ریزی شده تلاش برای استفاده از ابزار و روش‌های تبلیغی، رسانه‌ای، سیاسی و روان شناختی برای تأثیر گذاشتن بر حکومت‌ها، گروه‌ها و

¹ Saft War

² Present Danger

مردم کشورهای خارجی به منظور تغییر در نگرش و تفکرات آنها می‌باشد.

مفهوم جنگ نرم از جمله مفاهیم توسعه نیافته در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی است که به شکل‌های مختلفی تعریف می‌شود. با بررسی مجموعه ادبیات مربوط به جنگ و تهدید نرم، دست کم چهار برداشت به دست می‌آید: اول، تهدید نرم به عنوان نوعی عملیات روانی دشمن علیه افکار عمومی خودی است؛ با این دیدگاه، تهدید نرم مساوی مجموعه تهاجمات روانی و تبلیغاتی یک کشور علیه کشور دیگری است. دوم، تهدید نرم به عنوان نوعی اقدامات پنهان و توطئه‌آمیز دستگاه‌های امنیتی حریف علیه جامعه خودی به شمار می‌آید. با این دیدگاه، تهدید نرم مجموعه عملیات پنهانی تلقی می‌شود که توسط دستگاه‌های اطلاعاتی به اجرا در می‌آید. سوم، تهدید نرم به عنوان نوعی هدف گرفتن بنیان‌های ذهنی و اعتقادی سیستم سیاسی خودی از سوی محافل روشن فکری یا سایر مراجع فکری و مؤسسات فرهنگی می‌باشد. چهارم، تهدید نرم به عنوان نوعی ناآرامی‌های اجتماعی گسترده با هدف براندازی سیستم سیاسی خودی به شمار می‌آید (حسینی، ۱۳۹۰: ۸۳). آنچه که در موارد فوق حائز اهمیت است وجود نوعی تهدید است که مواضع اساسی یک کشور را مورد هدف قرار می‌دهد و با آسیب بر بنیان‌های جامعه تلاش بر دگرگون‌سازی آن می‌نماید.

لذا جنگ نرم به عنوان یک مصداق بارز از تهدید امنیت ملی، یک راهکار و رهیافت برای مقابله با کشورهای مخالف و معارض است که با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف برای رسیدن به اهداف کشورهای مجری جنگ نرم بکار می‌رود. بنابراین در یک تعریف مشخص می‌توان گفت: جنگ نرم عبارت از مجموعه اقدامات تعمدی و طرح‌ریزی شده با بهره‌گیری از قدرت نرم است که از طریق دگرگونی هویت فرهنگی از جمله تغییر باورها و عقاید و ناکارآمدسازی الگوی سیاسی نظام مورد هدف منجر به فروپاشی از درون و تغییر نظام سیاسی می‌شود. جنگ نرم زمانی شکل می‌گیرد که افراد مورد هدف اساساً احساس و ادراک تهدید نداشته باشند، بلکه آن را مطلوب و تسلیم شدن در برابر آن را اولویت خود بدانند. این اولویت‌سازی می‌تواند با آموزش و یا فرهنگ‌سازی انجام شود. اینگونه تهدید نرم که نقطه مقابل قدرت شرطی است، با تغییر اعتقادات افراد و ملت‌ها، اساسی‌ترین کارکردها را در حکومت، اقتصاد و سیاست کشورها ایفا می‌کند. به همین دلیل است که برخی صاحب‌نظران جنگ نرم را تلاش از پیش برنامه‌ریزی شده با استفاده از ابزارها و روش‌های مختلف برای تأثیرگذاری بر حکومت‌ها و مردم آن‌ها و تغییر نگرش‌ها، الگوها و رفتارها می‌دانند. جوزف نای در تحلیل خود پیرامون قدرت نرم کشور آمریکا معتقد است که استفاده از تبلیغات، سازو

کارهای رسانه‌ای و روش‌های نفوذ در کنار بهره‌گیری از سازوکارهای فرهنگی و دیپلماتیک، بهتر از قدرت نظامی و تحریم‌های اقتصادی است (نائینی، ۱۳۹۱: ۵۵). از همین منظر می‌توان از رسانه‌های انتقال اطلاعات به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای جنگ نرم یاد نمود.

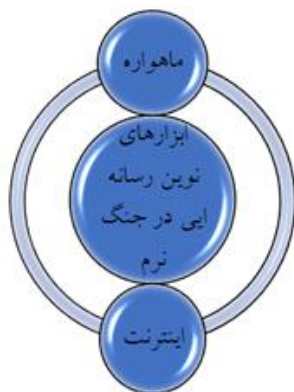
۵. بکارگیری رسانه‌های نوین انتقال اطلاعات در جنگ نرم علیه حاکمیت

همانطور که افراد یک جامعه خواستار حفظ آزادی خود هستند، دولت‌ها نیز به دنبال حفظ حاکمیت، آزادی و جلوگیری از مداخله در امور داخلی خود هستند و این موضوع نتیجه‌ای در بر ندارد جز تبیین اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها. چرا که هر دولتی به دنبال ثبات حاکمیت خود و استحکام پایه‌های قدرت کشورش است و هرگز اجازه نمی‌دهد تا مسائلی چون آزادی انتقال اطلاعات، تزلزلی بر این پایه‌ها وارد نماید زیرا همانطور که در مباحث قبلی اشاره شد، رسانه‌های جمعی در عصر حاضر از قدرت انتقال اطلاعات در کمترین زمان ممکن برخوردارند و متأسفانه کنترل و نظارت درست و جامعی هم بر محتویات منتقل شده وجود ندارد. این وسایل ارتباط جمعی، مرزها را درنوردیده و پیام‌های خود را از قاره‌ای به قاره‌ی دیگر و از کشوری به کشور دیگر منتقل می‌کنند. همچنین تحولات در عرصه‌ی فن‌آوری موجب گردیده پیام‌ها از طریق امواج الکترومغناطیسی با سهولت بیش از پیش ارسال شوند و این نشان دهنده جهانی شدن عرصه ارتباطات نیز می‌باشد. اما امروزه نقش رسانه‌ها نقشی فراتر از اطلاع‌رسانی است. رسانه‌ها در عصر اطلاعات و ارتباطات ابزارهای نوینی برای ایجاد بحران، کاهش یا افزایش بحران و گاه ابزاری برای جنگ‌آوری هستند که مکمل نیروی نظامی و تهدیدکننده امنیتی در سطوح مختلف آن اعم از فردی، ملی، بین‌المللی و جهانی به شمار می‌روند (رستگار پناه و سلطانی‌فر، ۱۳۹۰: ۸۴). بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در انواع وسایل نوین ارتباطی تحقق این مهم را بیشتر نموده است. با قبول این مطلب که رسانه‌های فراملی قادر هستند بعنوان ابزار جنگی بسیار قدرتمند در کنار سایر ادوات جنگی قرار بگیرند و جنگ نرمی را بدون تخریب فیزیکی انجام دهند، می‌توان گفت اگر رسانه‌های فراملی به تشویش اذهان عمومی و جنگ روانی در کشور مورد هدف مبادرت ورزند این عملکرد آن‌ها مصداق بارز مداخله در امور داخلی کشورهاست و اصل عدم مداخله می‌تواند در این موضوع کاربرد داشته باشد چرا که مداخله در امور داخلی کشورها توسط رسانه‌های فراملی کاملاً بدون خشونت و آرام است و اساساً در تضاد با عملیات نظامی است که با فشار و زور بر کشورها تحمیل می‌شود.

رسانه‌ها با وظیفه‌ی جایجایی اطلاعات و اخبار نقش و سهم بسیار زیادی در تحولات جامعه و پیش

بردن اهداف مقابله‌ای با حکومت و دولت دارند. از مهمترین ابزارهای جنگ نرم می‌توان به رسانه‌های انتقال اطلاعات اشاره کرد. نقش رسانه‌ها در جنگ نرم تا آنجایی است که برخی جنگ نرم را به عنوان جنگ رسانه‌ای نیز می‌نامند. جنگ رسانه‌ای از تاریخ باستان تا امروز وجود داشته و جزء لاینفک سیاست ابرقدرت‌ها بوده است و آنچه که امروز کیفیت و کمیت این جنگ‌ها را عوض کرده، توسعه زیرساخت‌های رسانه‌ای و تکنولوژی در یک قرن اخیر است. از جنگ جهانی دوم به بعد، جنگ رسانه‌ای به یک رشته علمی و استراتژیک تبدیل شد که ذات و سرشت اصلی قدرت نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشورهایی مثل آمریکا را تشکیل می‌دهد. جنگ رسانه‌ای را می‌توان نوعی جنگ روانی دانست که یکی از اصول زندگی بشری شده است. جنگ روانی را حتی راز بقای بشر نامیده‌اند. ولی در چند دهه اخیر که رسانه‌ها و اطلاعات رشد بسیار زیادی کرده‌اند و به معنای دیگر انفجار اطلاعات رخ داده است، جنگ، نبردی شده است برای تسلط بر افکار و اذهان مردم. جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به صورت غیررسمی ادامه داشته و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه‌ها، بهره‌گیری می‌کند. با اندک توجهی در نقش و کارکرد اصلی رسانه‌ها می‌توان به این مهم پی‌برد که در واقع رسانه‌ها مکمل سیاست و قدرت هستند به نحوی که در جایی که سیاست اعمال می‌گردد و تأثیر می‌گذارد رسانه‌ای از آن حمایت و پشتیبانی می‌کند و در جایی که قدرتی اعمال می‌گردد و مؤثر واقع می‌شود رسانه‌ها هستند که از آن قدرت پشتیبانی می‌کنند. همانطور که در بخش‌های نخست این مقاله هم اشاره شده است، رسانه‌های قوی و اثرگذار عمدتاً در دست قدرت‌های بزرگ و مطرح در سطح جهان هستند که با بکارگیری رسانه به اهداف خود در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی می‌رسند.

شکل شماره ۱ - ابزارهای نوین رسانه‌ای جنگ نرم



۵-۱. رسانه‌های ماهواره‌ای

شبکه‌های ماهواره‌ای را باید رسانه‌ایی قدرتمند در دنیای امروز دانست. کشورها هرکدام از ظرفیت‌های ماهواره برای انتقال پیام‌های خود استفاده می‌کنند در این میان، برخی از شبکه‌های بین‌المللی ماهواره‌ای قدرت‌های سلطه‌گر، سیاست خود را با هدف ضربه به حاکمیت و استقلال برخی کشورهای مستقل تنظیم کرده‌اند و برخی دیگر ممکن است به طور موردی مرتکب این تخلفات شوند. مصادیق نقض حاکمیت از سوی رسانه‌های بین‌المللی عبارتند از: تحریک به اختلافات قومی، فرقه‌ای و نسل‌کشی، تحریک به نقض صلح، مداخله در امور داخلی، بیانات افترا آمیز، تبلیغ و تظهير گروه‌های شناخته شده تروریستی، تشدید اختلافات بین‌المللی، جعل تاریخ کشورها و سیاسی کردن وقایع حقوقی. ممکن است یک رسانه با تبلیغات هدفمند خود به تحریف واقعیات مربوط به حقوق تاریخی یک کشور اقدام نماید که می‌تواند شامل حق دولت بر اموال فرهنگی و باستانی خود، حق دولت بر حفظ نام اماکن و بخش‌های جغرافیایی مختلف شود. تلاش برخی رسانه‌های آمریکایی، صهیونیستی و مرتجع عربی برای تحریف نام تاریخی خلیج فارس و ایجاد تشکیک در مالکیت غیرقابل انکار جمهوری اسلامی ایران بر جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک از این موارد است. تبلیغات رسانه‌ای مداخله جویانه به وسیله ماهواره‌های برون مرزی قدرت‌های سلطه‌گر، مصادیق فراوانی دارد که از جمله می‌توان تحریک به نسل‌کشی مسلمانان در بوسنی و رواندا اشاره کرد. پس از دادگاه نورمبرگ که در نوامبر ۱۹۴۵ م بعد از پایان جنگ جهانی دوم به منظور محاکمه سرکردگان آلمان نازی برگزار شد، ممنوعیت تحریک به نسل‌کشی از سوی عرف بین‌المللی تأیید شد و تحریک به این اقدام به هر وسیله‌ای به ویژه از طریق رسانه‌های فراملی از سوی اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ممنوع گردید. اما این ممنوعیت را بسیاری از رسانه‌های برون‌مرزی قدرت‌های جهانی در دهه‌های گذشته نقض کرده‌اند. ماهواره‌های برون‌مرزی قدرت‌های استعماری از طریق ترویج و توجیه سیاست‌های خصمانه دولت‌مردان خود باعث جنگ‌افروزی‌های بسیاری بین کشورهای مستقل شده‌اند تا به این طریق سیاست‌های استعماری خود را پیش ببرند. این رویکرد در جریان انعکاس اقدامات خشونت‌بار گروه تروریستی داعش در رسانه‌های غربی نیز قابل مشاهده بود. با آنکه این اقدامات ناقض بند ۱ ماده ۱ منشور سازمان ملل تلقی می‌شود که در ماده مذکور، در کنار ممنوعیت تجاوز، از ممنوعیت «سایر کارهای ناقض صلح» سخن به میان آورده است، ولی در عمل بسیاری از کشورهای استعماری بدون در نظر گرفتن منشور سازمان ملل با دخالت‌های رسانه‌ای خود

سعی در ناآرام کردن کشورهای داشته‌اند که سیاست خارجی مستقلی دارند. مجمع عمومی در سال ۱۹۴۷ میلادی به پیشنهاد نماینده روسیه در سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن «تمام اشکال تبلیغ در تمام کشورها با هدف تحریک یا تشویق برای تهدید صلح، نقض صلح و تجاوز» محکوم شناخته می‌شد. کشورهای استعماری برای تثبیت قدرت خود سابقه‌ای طولانی در تبلیغات رسانه‌ای برون‌مرزی از جمله از طریق ماهواره و سایر ابزارهای رسانه‌ای در کشورهای ثالث دارند، هلند از سال ۱۹۲۷ م برای هند شرقی تبلیغات منفی رادیویی داشته و فرانسه نیز سابقه پخش برنامه با رویکرد استعماری برای مستعمرات خود در سال ۱۹۳۱ م را داشته است. همچنین از سال ۱۹۳۴ م بریتانیا، سیاست تبلیغ سبک زندگی و تحمیل فرهنگ انگلیسی را به طور وسیعی با هدف تقویت نفوذ فرهنگی در کشورهای مشترک المنافع یا مستعمرات خود دنبال نموده است. در سال ۱۹۳۷ م نیز لندن، یک ایستگاه رادیویی در فلسطین راه اندازی و شروع به برنامه سازی مستمر برای اعراب نمود. در سال‌های اخیر نیز مداخله رسانه‌ای قدرتهای بزرگ در امور داخلی کشورها همچنان ادامه یافته که با اعتراضات زیادی در سطح بین‌المللی مواجه بوده است. به طوریکه برخی از این اعتراض‌ها در اتحادیه بین‌المللی مخابرات به ثبت رسیده است. در خصوص مداخلات رسانه‌ای قدرتهای استعماری، کشورهای جهان مواضع و رویکردهای مختلفی داشته‌اند. برخی از کشورها با منع این مداخلات رسانه‌ای، به طور فعالانه با آن مقابله می‌کنند و برخی کشورها نیز مانع این اقدام نمی‌شوند اما خود نیز به طور رسمی اقدام به مقابله می‌کنند. کشور آلمان از کشورهایی است که منع مداخله در یک کشور را منوط به اقدام متقابل از سوی آن کشور کرده است. حداقل بیست و هفت کشور، اقداماتی که تهدیدی علیه صلح باشد را بدون شرط اقدام متقابل، جرم انگاری کرده‌اند. به طور مثال سوئیس، روزنامه‌هایی که به روابط مناسب سوئیس با سایر کشورها لطمه بزنند را به حالت تعلیق در می‌آورد. رویه دادگاه‌های کیفری آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم نیز حاکی از آن است که این دادگاه‌ها نه فقط جنگ تجاوزکارانه را محکوم می‌کنند بلکه تجاوز ایدئولوژیکی و رسانه‌ای را نیز محکوم می‌دانستند. اما کشورهایی مانند انگلستان و آمریکا هیچ معنی برای تبلیغات خصمانه رسانه‌ای خود علیه کشورهای دیگر ایجاد نکرده‌اند، بطوریکه امروزه برخی از رسانه‌های آنها به عنوان ابزاری برای اشاعه تروریسم استفاده می‌شوند.

۲-۵. رسانه‌های سایبری

علاوه بر فضای جغرافیایی که در برگیرنده ساختارهای عینی و قابل درک است، فضای سایبر^۱ هم می‌تواند به موازات فضای جغرافیایی مطرح و دارای التزام‌های خاص خود باشد. فضای سایبر، روزنه‌هایی نو را برای ملت‌های جهان و نیز ساختارهای حاکمیتی گشوده است. این فضا، همانند فضای جغرافیایی، تهدیدها، چالش‌ها و فرصت‌هایی را فراهم آورده که حاصل ظهور و فعالیت بازیگران در این حوزه است و خصوصاً می‌تواند بازخوردی گسترده‌تر از ابعاد محلی یا منطقه‌ای داشته باشد. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که سخت درگیر دو تحول انقلابی گسترده است. برخلاف انقلاب‌های سستی، دگرگونی‌های انقلابی کنونی بیشتر جنبه تکنولوژیک، آگاهی‌رسانی، اقتصادی و جغرافیایی در ابعاد تازه‌ای از کارکرد فضا دارد. برخی پدیده‌ها به سرعت می‌توانند حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی را در کوتاه مدت به چالش‌های عمیقی دچار کنند که لازم است نخبگان و دولت‌ها با شناخت کافی از آنها و حتی بعضاً با پیش‌بینی حرکت آن‌ها، نسبت به جلوگیری از انواع گسست‌های اجتماعی که حاصل از عدم برخی تطابقات است، گام‌های مؤثر و عملی بردارند. یکی از مهمترین این پدیده‌ها، فضای سایبر است. در همین راستا توسعه فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات به تحول و دگرگونی در ابعاد مختلف مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و دفاعی و امنیتی منجر شده است. عصر اطلاعات جامعه بشری را با رویکردهای جدید در ابعاد مختلف مواجه می‌سازد. در عصر اطلاعات مفاهیم سستی موجود در زمینه‌هایی همچون حقوق، اقتصاد، آموزش، فرهنگ، کسب‌وکار، مدیریت، تجارت و دفاع دچار تحولات اساسی شده است. فضای سایبر شامل ابعاد تکنولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی است. این فضا متشکل از قوانین ملی مختلفی است که چارچوب نظارتی آن برخی به صورت خودگردان و برخی از طریق معاهده‌های دوجانبه و چند جانبه تحت مدیریت و نظارت هستند.

بحث در مورد چگونگی استفاده از اینترنت و حاکمیت بر فضای سایبر، دولت‌ها، اشخاص حقوقی خصوصی و بین‌المللی را به چالش کشیده است. این اختلافات به حدی رسیده که یکی از موضوعات مهم در اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی را به خود اختصاص داده و تعداد زیادی از اعلامیه‌ها، دستورالعمل‌ها و چارچوب این اجلاس مربوط به حاکمیت بر اینترنت و فضای سایبر بوده است (شایگان، ۱۳۹۵: ۳۵۱). اگر بخواهیم تعریف دقیقی از فضای سایبر ارائه نماییم، باید بگوئیم

^۱ Cyberspace

فضای سایبر در تعریف برخی از نویسندگان عبارت است از مجموعه‌ای از ارتباطات میان انسان‌ها از طریق رایانه و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی. البته شاید بهتر باشد آن را چنین تعریف کنیم: فضای سایبر محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌های سریع، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود، به گونه‌ای زنده و مستقیم در آن روی می‌دهد، قید واقعی مانع از این است که تصور شود مجازی بودن این فضا به معنای غیرواقعی بودن آن است چرا که در این فضا نیز همان ویژگی‌های تعاملات انسانی در دنیای خارج همچون مسئولیت وجود دارند ضمن اینکه فضای سایبر در واقع یک محیط است که ارتباطات در آن انجام می‌شود نه صرف مجموعه‌ای از ارتباطات. از سوی دیگر، این ارتباطات گرچه ممکن است در همه حال برخط نباشند، ولی زنده، واقعی و مستقیم است. از این رو تأثیر و تأثر بالایی در این روابط رخ می‌دهند. در این فضای ارتباطی ممکن است نمونه‌هایی از تهدیدات مختلف نسبت به موضوعات گوناگون رخ دهد. فضای سایبر دربرگیرنده مجموعه‌ای وسیع از داده‌ها و اطلاعات است که امروزه فضای فعالیت را برای دسته‌های مختلف بازیگران در این عرصه فراهم ساخته است. همانگونه که در دنیای واقعی، تهدیدها، فرصت‌ها و چالش‌هایی برای گروه‌های مختلف انسانی وجود دارد، در فضای سایبر نیز این دسته از تهدیدها برای حاکمیت وجود دارد از جمله جنگ سایبری، تروریسم سایبری، جرائم سایبری، جاسوسی سایبری و آشفتگی سایبری. در این عرصه، بازیگران دولتی و غیردولتی از قدرت سایبری استفاده می‌کنند تا به اهداف اجتماعی، ایدئولوژیکی، سیاسی، نظامی و مالی خود در فضای سایبری و دنیای واقعی دست یابند. این اهداف در فضای مجازی از شیوه‌های متفاوتی حاصل می‌شوند به در مطالب ذیل به آن‌ها پرداخته شده است. تهدیدهای سایبری. از آن حیث که دربرگیرنده‌ی ابعاد مختلف زندگی بشری می‌باشد، موجب گردیده میزان امنیت در فضای سایبری کاهش پیدا نماید. این درحالیست که نه تنها گروه‌های انسانی بلکه بازیگران دولتی و غیردولتی را نیز متأثر می‌نماید (رکن آبادی و نورعلی‌وند، ۱۳۹۱: ۱۷۰). به همین ترتیب با تبیین تهدید سایبری به مفهومی از حمله‌ی سایبری می‌رسیم. برای تعریف حمله سایبری باید گفت برخی دانشمندان با دیدی کلی این تعریف را در خصوص حمله سایبری ارئه می‌دهند که حمله سایبری جنگ اطلاعاتی طبقه یا مجموع‌های از تکنیک‌ها شامل جمع‌آوری، انتقال، حفاظت، ممانعت از دسترسی، ایجاد آشفتگی و افت کیفیت در اطلاعات است که از طریق آن یکی از دو طرف درگیر بر دشمنان خود به مزیتی چشمگیر دست یافته و آن را حفظ می‌کند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

همانطور که در این پژوهش بیان شد، حاکمیت از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مفاهیمی است که شناخت ابعاد آن به ایجاد نظم و امنیت در سطح بین‌المللی کمک می‌کنند و در سطح داخلی نیز حاکمیت در واقع قدرت سیاسی حاکم بر جامعه است که با اقتدار و تسلط خود سعی به برقراری نظم و امنیت داخلی کشور می‌نماید. همچنین از شاخصه‌های مهم یک حکومت مقتدر این است که هر جایی لازم باشد از تمامیت ارضی، استقلال، نظم و امنیت ملی خود در مقابل تهاجمات خارجی و داخلی حفظ و حراست کند. در عرصه‌ی بین‌الملل از یک سو شاهد اصول مسلم و پذیرفته شده‌ای از جمله اصل حاکمیت دولت‌ها، اصل احترام به تمامیت ارضی، اصل عدم تجاوز به حریم (زمینی، هوایی و دریایی) کشورها هستیم که با توجه به تأکید سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، احترام به حاکمیت دولت‌ها از شأن و جایگاه بالایی برخوردار است و از سویی دیگر شاهد تلاش کشورهای جهان برای تسلط بر سرزمین و حاکمیت یکدیگر هستیم. بنابراین کشورهای خواهان برتری در این راه برای فائق آمدن بر یکدیگر با تکیه بر همین اصول بین‌المللی و مشخصاً اصل آزادی اطلاعات و با تمسک به ابزارهای قدرت نرم و سخت از هیچ تلاشی در این عرصه فروگذار نمی‌باشند یکی از مهمترین این ابزارها در حوزه‌ی قدرت نرم رسانه‌های انتقال اطلاعات می‌باشند که کاربرد آن‌ها در بستر آزادی اطلاعات نمایان می‌گردد. شایان ذکر است آزادی اطلاعات در واقع بخشی از حقوق بشر محسوب می‌شود که مانند دیگر اصول حقوق بین‌الملل مورد تأکید نهادهای حقوقی بین‌المللی مانند: منشور سازمان ملل متحد و قطعنامه‌های صادره همانند قطعنامه شماره ۵۹، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و مقاله‌نامه‌ی جمع‌آوری و پخش اخبار، مقاله‌نامه‌ی حق بین‌المللی تصحیح و مقاله‌نامه‌ی بین‌المللی کسب اطلاعات، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ماده‌ی ۱۹، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها است که تنها بخشی از این نهادها محسوب می‌گردند.

در فرایند بکارگیری قدرت نرم علیه کشورها؛ کشورهای قدرتمند و طالب نفوذ و تسلط بر کشورهای مورد هدف به بهانه‌ی جریان آزاد اطلاعات و بکارگیری رسانه‌هایی همچون اینترنت و ماهواره و... با اقدامات روانی و تبلیغات رسانه‌ای، جامعه یا گروه هدف را نشانه می‌گیرند و بدون درگیری نظامی و یا خشونت بدنبال تحقق اهداف خود و فائق آمدن بر کشور مورد نظر هستند. این مجموع اقدامات را که جنگ نرم می‌نامند، دقیقاً نقطه مقابل جنگ سخت قرار دارد. شواهد و مطالعات

نشان می‌دهد بروز جنگ سخت در هر سرزمینی همواره ویرانی و عقب ماندگی را به همراه خواهد داشت اما اعمال جنگ نرم که رسانه‌های انتقال اطلاعات بازوهای پرتوان آن محسوب می‌شوند راه را کوتاه و کار را آسان نموده است. در واقع باید دانست در شرایطی که کشورهای مخالف و معاند یکدیگر توجیهی برای جنگ سخت با یکدیگر نمی‌بینند، بهترین راه که بدون تلفات نیروی انسانی و با هزینه‌های کمتری همراه است، جنگ نرم می‌باشد و در این راستا رسانه‌های انتقال اطلاعات هستند که با تکیه بر یک حق مورد اجماع بشری یعنی همان اصل آزادی اطلاعات موجی از اخبار و اطلاعات حاوی مسائل فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و اخلاقی را وارد جوامع دیگر نموده و افکار مردم آن جوامع را به سوی آن‌ها هدایت می‌نمایند. در این وضعیتی مرزهای فرهنگی، عقیدتی و اخلاقی یک کشور که به اندازه‌ی مرزهای جغرافیایی و تمامیت ارضی آن‌ها دارای احترام می‌باشد بدون اخذ رضایت و اجازه از طریق اطلاعات و اخبار گوناگون در نوردیده خواهند شد و موجبات نقض حاکمیت و تمامیت ارضی آن کشورها فراهم می‌شوند. در راستای نتیجه‌ی حاصل از این پژوهش، پیشنهادات ذیل جمع‌بندی و ارائه می‌گردند.

۱. تبیین مرزهای فرهنگی، اعتقادی و اخلاقی در کنار مرزهای جغرافیایی کشورها و لزوم احترام توسط کلیه‌ی کشورها به همراه ایجاد سازو کار لازم برای جلوگیری از نقض این مرزها توسط جریان آزاد اطلاعات.

۲. لزوم کسب اجازه و رضایت دولت‌ها در انتقال اطلاعات از خارج به داخل مرز کشورها و قرار دادن در اختیار اتباع آن‌ها و جرم انگاری کیفی با ضمانت اجرای قوی و مؤثر توسط نهادهای بین‌المللی در این خصوص.

۳. تبیین جایگاه و رتبه‌بندی اصول حقوق بین‌الملل مانند: آزادی اطلاعات، حاکمیت دولت‌ها، تمامیت ارضی، خلل ناپذیری مرزها و اهمیت اولویت‌پذیری آن‌ها نسبت به یکدیگر توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد.

۴. ایجاد سازوکار مناسب به منظور طرح دعاوی حقوقی و کیفری در محاکم بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری توسط کشورهای قربانی جنگ نرم به منظور اخذ غرامت و مجازات کیفری کشورهای خاطی.

منابع

- ابراهیمی، هادی (۱۴۰۰). «کالبد شکافی نقش قدرت نرم و دیپلماسی رسانه‌ای در تأمین امنیت ملی ج.ا.ایران: مطالعه موردی بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۱۱، شماره ۳. حسینی، حسین، مقدم فر، حمیدرضا و قنبرپور، مصطفی، (۱۳۹۳). «واکاوی نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۲۴.
- حسینی، سید حسن (۱۳۹۰). «ارتباط اقناعی از آموزه‌های عملی تا یافته‌های علمی» تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- خلیلی‌پور رکن آبادی، علوی و نورعلی‌وند، یاسر (۱۳۹۱). «تهدیدات سایبری و تأثیر آن بر امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۵، شماره ۵۶.
- رستگار پناه، حسن و سلطانی‌فر، محمد (۱۳۹۰). «راهبردهای رسانه‌ای امنیت پایدار»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۱۵.
- شایگان، فرید (۱۳۹۵). «اعمال حق بیطرفی در فضای سایبر»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۲.
- شهرام نیا، سید امیر مسعود، ابراهیمی، علی و بلباسی، میثم (۱۳۹۱). «واکاوی مفهومی قدرت نرم راهکار (فرصت) های ایران در قبال آن»، مجله دانش سیاسی و بین الملل، شماره ۳.
- فتاحی اردکانی، حسین؛ مسعودنیا، حسین و امام جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۹۷). «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم و هوشمند)»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۸.
- فرهادی آلاشتی، زهرا و جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا (۱۳۹۶). «نقض آزادی جریان اطلاعات در فرآیند پیشگیری موقعیت مدار از جرائم سایبری»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۱۸.
- کدخدایی، عباسعلی و حاجی ملأ، هیوا (۱۳۹۳). «افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده از سوی پایگاه ویکی‌لیکس؛ تقابلی نوین میان حق دسترسی به اطلاعات و امنیت ملی» مجله مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲.
- مهدوی، اصغر و نادری بابا اناری، مهدی (۱۳۹۰). «کاربرد قدرتمند آر ناحیه استکبار؛ رویکرد قرآنی»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲.

نای، جوزف (۱۳۹۲). «آینده‌ی قدرت»، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی

نائینی، علی محمد (۱۳۹۱). «اصول و قواعد جنگ نرم» تهران: نشر ساقی

- Boyle, Michael J, (2015). "The Race for Drones", *Orbis*, 59(1): 76–94.
- Forcese, Craig (2011) "Spies without Borders: International Law and Intelligence Collection", *Journal of security law & policy*, Vol. 5:179
- Harrison, Glennon J, (2013). "Unmanned Aircraft Systems: Manufacturing Trends", *Congressional Research Service*, Jan. 30.
- Gordon, K., Doellinger, D., Reader, S., & Sil, N. (2008). *The Origins of Westphalian Sovereignty*. Western Oregon University, 6.
- Lyons Hudson, A. (2000). Offshorenness, Globalization and Sovereignty: A Postmodern Geo-Political Economy? *Transactions of the Institute of British Geographers*, 25(3), 269-283.
- Rogers, Paul (2012), *The Potential For Israeli Military Action Against Irans nuclear Facilities*, *International Security Monthly Briefing*, Oxford Research Group
- Valavanis, K., & Vachtsevanos, G. (2015). *Handbook of unmanned aerial vehicles*. New york: Springer.
- Zaloga, Steven J., et. al, (2019), "World Military Unmanned Aerial Vehicle Systems: 2019/2020 MARKE